

## راز حیرت انگیز جسد پلاستیک پیچ فاش شد

# سودای دامادی در قاب جنایت!

### اختصاصی خراسان



سید خلیل سجادیور  
info@khorasannews.com

دو برادر که پدر خود را به قتل رسانده و جسد پلاستیک پیچ او را درون شیار بیابان انداخته بودند،

روز گذشته در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد را ز حیرت انگیز این جنایت وحشتناک افاش کردند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، صبح سوم شهریور گذشته، چند کشاورز که مشغول جمع آوری محصولات دیمی خود در اطراف روستای گوجگی مشهد بودند، جسد پلاستیک پیچی را درون شیاری دیدند که بوی تعفن آن فضای بیابان را پر کرده بود. دقایقی بعد نیروهای پلیس در کنار قاضی ویژه قتل عمد مشهد به سوی جاده کلات حرکت کردند اما خودروها ز مانی در فاصله چند کیلومتری از جاده اصلی متوقف شدند که امکان عبور در جاده خاکی بیابان وجود نداشت. به همین دلیل پیاده روی آغاز شد پس از طی مسیر حدود یک کیلومتری، شیار بیابان که بر اثر آب های روان ایجاد شده بود، در برابر دیدگان بررسی صحنه جرم قرار گرفت. بالاخره حرکت در طول شیار به نقطه ای رسید که جسدی درون پلاستیک سفید رنگ نمایان شد ولی به دلیل فساد نعشی جسد، امکان

بررسی دقیق در محل وجود نداشت. گزارش روزنامه خراسان حاکی است با انتقال جسد این مرد میان سال به پزشکی قانونی، تحقیقات قضایی در حالی ادامه یافت که هویت جسد قابل تشخیص نبود. بنابراین با دستور های ویژه قاضی دکتر صادق صفری، نه تنها شناسایی جسد به فناوری های نوین تشخیص هویت گره خور د بلکه دامنه بررسی های تخصصی نیز به روستاهای اطراف شهرستان کلات کشیده شد چرا که تجربه مقام قضایی بیانگر آن بود که مرد حدود ۵۵ ساله در منزل به قتل رسیده است و عامل یا عاملان جنایت آن را به محل کشف انتقال داده اند. نبود کشف های مقتول و کت وشلوار شیک وی نیز بر این فرضیه جانبی مهر تایید می زد. به همین دلیل گروه کارآموده ای از کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات نامحسوس گسترده ای را با راهنمایی های قاضی شعبه ۸ ۲۰ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد در حالی آغاز کردند که فرزندان مرد گم شده به پاسگاه انتظامی منطقه لایین کلات مراجعه کردند و از پلیس برای یافتن پدرشان کمک خواستند. چند ساعت بعد تصویری از جسد گم شده توسط ماموران پاسگاه انتظامی گوجگی به پاسگاه لایین ارسال شد و مورد تایید فرزندان مقتول قرار گرفت. حالا دیگر بررسی های کارآگاهان به صورت هدفمند اما نامحسوس دنبال می

شد تا این که در میان اظهارات و سخنان اطرافیان مرد ۵۵ ساله، روزنه هایی از اختلافات خانوادگی رخ نمایا کرد.

همین سرخ در تحقیقات جنایی کافی بود تا کارآگاهان با هدایت مستقیم قاضی ویژه قتل عمد، به واکاوی و کنکاش های ریزبینانه در باره این اختلافات بپردازند. مدتی بعد گروهی از کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی مشهد) به طرف منطقه ای در اطراف شهرستان کلات رفتند و به گفت



عکس ها اختصاصی خراسان

وگوهای پلیسی با فرزندان مقتول پرداختند. نتیجه این گفت وگوهای خصوصی به سرخ های مهمی گره خورد که در نهایت به افشای راز حیرت انگیز این پرونده جنایی انجامید. «قائم و علی» ۲ تن از فرزندان «مهدی» که به ماجرای مرگ تاسف بار مادرشان در یک سانحه رانندگی اشاره کردند که آن هاراسیاه پوش کرده بود. واکاوی این حادثه که چندماه قبل در جاده مشهد- کلات اتفاق افتاد، به دهلیزهای تاریکی رسید که عواقب آن تاثیر هولناکی بر روح و روان برخی از اعضای این خانواده گذاشته بود. آن ها گفتند پدرمان در زمینه فروش لبنیات و پارچه فعالیت داشت به طوری که لبنیات محلی را از کلات به مشهد می برد و پس از فروش آن ها، پارچه، چادری و مانند این ها را به خودروی نیسان و وانت خودش بار می زد و آن ها را در روستاهای اطراف کلات می فروخت و مادرمان در تمام این مسیر تنها همراه و همیار همسرش بود. در یکی از همین شب ها ز مانی که پدر و مادر م مشهد به سوی کلات در حرکت بودند، چراغ جلوی وانت دچار نقص می شود و پدرم خودرو را در همان کنار جاده متوقف می کند و از مادر می خواهد تا ضربه ای به طلق چراغ بزند اما در تاریکی شب ناگهان خودروی سواری ال ۹۰ خودروی نیسان را مقابل خود می بیند و برای آن که با

نیسان برخورد نکند به لاین سبقت می رود ولی از مقابل هم خودروی دیگری در مسیر عبورش قرار می گیرد. راننده ال ۹۰ برای جلوگیری از تصادف وحشتناک فرمان خودرو را به شانه خاکی جاده می چرخاند اما در همین لحظه مادر م که قصد داشت از طرف شانه خاکی جاده سوار نیسان شود در برابر ال ۹۰ قرار می گیرد و این گونه با این سانحه هولناک، مادر م از دنیا رفت و مادر سوغ او سیاه پوش شدیم. همین موضوع اندکی کدورت بین ما و پدرمان ایجاد کرد چرا که مادرمان خیلی زن ز حمت کشی بود و پدرم را در هر شرایطی یاری می کرد. بنابر گزارش روزنامه خراسان، هنگامی که این سرخ ها در سبد تحلیلی پلیس مقام قضایی قرار گرفت زوایای بیشتری از این اختلافات رونمایی شد چرا که عطر خوش بوی کشف شده از جیب مقتول و کت وشلوار شیک وی، نشانی از سوگواری نداشت به همین دلیل این ماجرا در تحلیل های کارشناسی جرم نیز زیر ذره بین تحقیقات قرار گرفت. بنا به تاکید قاضی ویژه قتل عمد، کارآگاهان همه بررسی های نامحسوس خود را در این باره متمرکز کردند و به نتایجی

دست یافتند که نشان می داد: «مهدی» ک- (مقتول) بعد از مرگ همسرش قصد تجدید فراش و از دواج مجدد داشته است. این فرضیه که وابستگی شدید فرزندان مقتول به مادرشان، انگیزه ای حیرت آور برای ارتکاب جنایت باشد هر لحظه پر رنگ تر می شد تا این که شاخه های مختلف تحلیل های جرم شناسی در همین نقطه

متوقف شد. طولی نکشید که قاضی دکتر صادق صفری دستور احضار و بازجویی از ۲ برادر را به طور محرمانه صادر کرد و بدین ترتیب کارآگاهان باتماس تلفنی، ۲ برادر را به اتاق بازجویی کشاندند. «قائم و علی» ز مانی که متوجه منظور کارآگاهان با سواد دواج مجدد (دامادی) پدرشان شدند، سخت برآشفتمند و با اتکای به

نفس عجیبی این موضوع را انکار کردند. آرام آرام سوالات بازجویی که با هدایت مقام قضایی وارد مرحله حساس شده بود، ۲ برادر را به تناقض گویی انداخت. در این هنگام یکی از آنان پرده از سودای از دواج پدر برداشت و گفت: البته در مدت کوتاهی بعد از مرگ مادرمان، پدرم به صراحت عنوان کرد که قصد دارد با زنی از دواج کند که حتی در برخی از خصوصیات از مادرم نیز بهتر باشد! او یک دست کت وشلوار شیک هم برای این منظور خرید و مدام از زنان مطلقه در اطراف خودمان یا غریبه ها قصد خواستگاری داشت. او به مخالفت ما هم توجهی نمی کرد و پاسخ سر بالا می داد ولی این موضوع دلیل بر آن نمی شد که ما خودمان پدر را به قتل برسانیم...! گزارش روزنامه خراسان حاکی است با این ادعاها، نورافکنی در دهلیزهای تاریک جرم آغاز شد و ۲ متهم روز گذشته به شعبه ۸ ۲۰ دادسرای عمومی و انقلاب انتقال یافتند و رو در روی قاضی پرونده های جنایی ایستاندند که دیگر یقین داشت فرزندان مقتول راز حیرت انگیز قتل پدر را پنهان می کنند. دقایقی بعد، آن ها با نصیحت و راهنمایی های مقام قضایی، ناگهان لب به اعتراف گشودند و به قتل پدر خودشان اعتراف کردند.

«قائم و علی» ک- گفتند: وقتی اصرار پدر برای تجدید فراش را دیدیم خیلی سعی کردیم تا او را منصرف کنیم ولی با آن که هنوز در سوغ مادر سیاه پوش بودیم، پدرمان برای از دواج مجدد پافشاری می کرد به همین دلیل او را با طناب خفه کردیم و جسدش را از کلات به مشهد آوردیم تا کسی متوجه جنایت نشود. جسد را درون پلاستیک های سفید رنگ گذاشتیم و در شیار بیابان های روستای گوجگی پنهان کردیم. بر اساس گزارش روزنامه خراسان، تحقیقات بیشتر درباره زوایای پنهان این جنایت هولناک و ادعاهای متهمان همچنان ادامه دارد.



تصویری از آغاز تحقیقات پلیسی و قضایی هنگام کشف جسد

### بازداشت شرور مسلح و خطرناک جنوب کرمان در هرمزگان

شرور مسلح در یک عملیات غافلگیرانه و بدون درگیری مسلحانه بازداشت شد. وی تصریح کرد: متهم ۸-م طی سال های اخیر اقدامات سیاهی از جمله ایجاد عب و وحشت در جامعه از طریق قدرت نمایی با استفاده از سلاح، تیراندازی به سمت ماموران، آدم ربایی مسلحانه و تجاوز به عنف در پرونده سیاه خود به ثبت رسانده است. رئیس دادگاه عمومی فاریاب، خاطر نشان کرد: در پی سفر هفته های قبل حجت الاسلام حمیدی رئیس کل دادگستری استان کرمان به جنوب کرمان و تاکید بر شناسایی و دستگیری عوامل نامنی و عناصری که با تجاوز به عنف، امنیت روانی جامعه را خدشه دار و احساسات عمومی را جریحه دار کرده بودند، رسیدگی به موضوع در دستور کار ویژه دستگاه قضایی قرار گرفت.

توکل- یکی از اشرار مسلح و خطرناک جنوب کرمان در یک عملیات پیچیده اطلاعاتی در استان هرمزگان دستگیر و بازداشت شد. به گزارش خراسان، رئیس حوزه قضایی شهرستان فاریاب، ایمان محمدی، اظهار کرد: پس از چندین روز کار فنی و اطلاعاتی شبانه روزی، مخفیگاه این شرور خطرناک در شهر بندرعباس شناسایی شد و با حمایت و پشتیبانی بخشی دادستان مرکز کرمان و هماهنگی و پشتیبانی دادستانی هرمزگان، جمعه شب گذشته گروهی از نیروهای زبده پلیس اطلاعات فاریاب به مخفیگاه متهم در بندرعباس اعزام شدند. قاضی ایمان محمدی افزود: باتوجه به این که مخفیگاه متهم در یک مجتمع مسکونی ۲۴ واحدی بود، با انجام تدابیر امنیتی لازم، سرانجام سحرگاه شنبه این

### تصادف ۲ خودرو در جاده ابهر ۷ کشته به جا گذاشت

مرکز پاسخگویی، هدایت این عملیات را انجام می دادند. رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان از جان باختن هفت نفر در تصادف ۲ دستگاه سواری پژو ۴۰۵ در کیلومتر ۲۳ جاده خدابنده- ابهر خبر داد. سرهنگ محمد حسن خلجی اظهار کرد: صبح دیروز در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی مبنی بر تصادف دودستگاه پژو ۴۰۵ در کیلومتر ۲۳ جاده خدابنده- ابهر، بلافاصله واحد گشت خودرویی محور خدابنده به محل اعزام شد. وی افزود: با حضور ماموران در محل و بازدید از صحنه تصادف، گزارش فوت پنج نفر سرنشین و ۲ نفر راننده بر اثر شدت برخورد به مرکز مخابره شد. خلجی افزود: مسیر تردد این ۲ خودرو در جهت خلاف هم و از سمت شرق به غرب و برعکس گزارش شده که برخورد جلوه به پهلوانشی از سرعت بالا، تصادف منجر به مرگ را رقم زده است که متأسفانه در میان جان باختگان یک کودک پنج ساله و سه خانم نیز مشاهده می شود. رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان: نجان خاطر نشان کرد: بابازدید افسر کارشناس عالی از محل تصادف، کروکی در دست ترسیم است.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان زنجان گفت: تصادف رخ به رخ ۲ خودروی پژو ۴۰۵ در جاده ابهر به قیدار هفت کشته به جا گذاشت. حکمتا... هاشمی در گفت وگوبا خبرنگار ایرنا افزود: روز گذشته گزارشی مبنی بر تصادف رخ به رخ ۲ دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ در کیلومتر ۲۳ جاده ابهر به قیدار به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات اضطراری هلال احمر استان اطلاع داده شد. وی اظهار کرد: ۲ تیم عملیاتی پایگاه دوتپه هلال احمر شهرستان ابهر با آمبولانس وست نجات به محل حادثه اعزام شدند. هاشمی ادامه داد: این حادثه ۶ جان باخته و یک مصدوم داشت که توسط نیروهای عملیاتی هلال احمر هاسازی و به عوامل قضایی تحویل داده شدند اما تنها مصدوم حادثه در حین انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. وی اضافه کرد: ۶ جان باخته این حادثه نیاز به رهاسازی از خودروها داشتند که رهاسازی آن هاتوسط نیروهای نجاتگر انجام شد. این مسئول گفت: ۲ تیم عملیاتی، ۲ دستگاه آمبولانس و یک دستگاه ست نجات به همراه ۱۶ امدادگر در این عملیات حضور داشتند و پنج نفر نیز از



### در امتداد تاریکی

### کاشانه ای خالی از مهر!

امروز خانه و کاشانه ام بسیار سوت و کور است. بیشتر از یک سال می شود که دخترم را ندیده ام و دلم برای بوسیدن چهره اش پر می کشد اما متأسفانه ماجرای یک از دواج اجباری به گونه ای روزگارم راسیاه کرد که اکنون...

این ها بخشی از اظهارات زن ۳۵ ساله ای است که با حکم قضایی و برای دیدار با فرزند خردسالش به مرکز انتظامی آمده بود. این زن جوان در باره سرگذشت تاسف بار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: پدرم در زمان جوانی عاشق دختری بود که نتوانست با او از دواج کند ولی بعد از این ماجرا روزی که برای انجام کارهای بنایی به همراه پدر بزرگم به خانه خاله اش رفته بود، عاشق دختر خاله خودش شد و خیلی سریع پای سفره عقد نشست اما آن ها از همان روزهای آغازین زندگی مشترک مدام با یکدیگر درگیر بودند و هیچ گونه تفاهم اخلاقی نداشتند. بالاخره در میان همین مشاجره ها و نزاع های خانوادگی من و ۳ خواهر دیگرم به دنیا آمدم و با همه فراز و نشیب های روزگار رشد کردیم و بزرگ شدیم. آن زمان پدرم در یکی از شرکت های زیرمجموعه قطار مسافری کار می کرد ولی متأسفانه گرفتار دوستان ناباب شد و به مصرف مواد مخدر رو آورد. در این شرایط بود که پدرم را از کار اخراج کردند و او برای گذران زندگی به همان حرفه بنایی مشغول شد.

خلاصه در حالی که من و خواهرانم به سن جوانی و نوجوانی رسیده بودیم، مادرم به بیماری سرطان مبتلا شد و زندگی ما به کلی تغییر کرد. پدرم که نمی خواست من و ۳ خواهر دیگرم در خانه بمانیم، طی ۲ سال همه ما را عروس کرد تا به دنبال زندگی و سرنوشت خودمان برویم ولی من پسردیگری را دوست داشتم و می خواستم با او از دواج کنم. پدرم که این موضوع را فهمید مرا زیر مشت و لگد گرفت و در خانه حبس کرد تا این که به اجبار با او لین خواستگارم پای سفره عقد نشستم. «بهروز» با آن که جوانی ثروتمند بود اما اخلاق خوبی نداشت. او بسیار خشن و پر خاشگر بود و در هر جمله ای که به زبان جاری می کرد چند ناسزای زشت هم وجود داشت. با این همه ز مانی که فهمید من در سن نوجوانی به پسر دیگری علاقه مند بودم، رفتارهای او بسیار زنده شد و مدام مرا اکت می زد. او معتقد بود چون قبلا به جوان دیگری علاقه مند بودم اکنون نیز با افراد دیگری ارتباط غیر اخلاقی دارم. با آن که چند سال حتی گوشی تلفن من در دست بهروز بود ولی او باز هم به من شک داشت. چندبار با حالت قهر به منزل پدرم رفتم ولی چون پدرم را نمی پذیرفت به ناچار دوباره به خانه ام باز می گشتم، خانه ای که دیگر برایم هیچ گونه مهر و محبت خاصی نداشت.

آخرین بار وقتی از شدت تنک های همسرم در بیمارستان بستری شدم تصمیم گرفتم که از او جدا شوم. «بهروز» هم که منظر چنین فرستی بود مرا تهدید کرد که برای طلاق باید از همه حق و حقوقم بگذرم اما من نمی توانستم سرپرستی دخترم را که به تازگی راهی مدرسه شده بود، به او بسپارم به همین دلیل به خانه خاله ام رفتم و مدتی در گیر این ماجرا بودم. از سوی دیگر هم چون نمی خواستم سربار اطرافیانم باشم شغلی برای خودم در بیرون از منزل دست و پا کردم و مشغول کار شدم تا بتوانم هزینه های زندگی را تامین کنم. «بهروز» هم ز مانی که متوجه شد من در بیرون از خانه کار می کنم با ایجاد سرو صدا و هیاهو به منزل خاله ام آمد و دخترم را با خودش برد. اکنون یک سال از آن ماجرا می گذرد و من دلم برای دیدار دخترم پر می زند. این بود که به دستگاه قضایی پناه بردم و موفق شدم با حکم دادگاه به دیدار دخترم بپیامم اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با دستور ویژه سرگرد احمد آبکه (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) نه تنها امکان دیدار مادر با دخترش در مرکز انتظامی فراهم شد بلکه اقدامات مشاوره ای نیز برای بازگشت آن ها به زندگی مشترک در دایره مددکاری اجتماعی ادامه یافت.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

لوله باز کنی

ضمانتی

رفع نم بدون خرابی

تشخیص با دستگاه

۵۰٪ تخفیف

هاشمیه۳۸۵۵۲۵۷۹

سجاد۳۷۶۶۰۹۹۸

احمدآباد۳۸۴۵۹۴۰۷

معلم۳۶۰۳۲۱۵۴

قاسمآباد۳۶۶۵۲۲۸۴

عدل خمینی۳۸۵۵۲۵۷۹

پیروزی۳۵۰۱۵۱۳۲

خیام۳۷۶۶۰۹۹۸

سناآباد۳۸۴۵۹۴۰۷

فردوسی۳۷۶۶۰۹۹۸

وکیلآباد۳۵۰۱۵۱۳۲

طرقیمه۳۵۰۸۳۳۵۰۹۳۵۷

بازار خودرو

فرسوده و تصادفی

اسقاط خودرو

خودرو فرسوده،خوشروشن

تصادفی شمارا به بالاترین قیمت

خریداری۰۹۱۵۶۶۸۲۲۲۲

آگهی

پذیرش

آگهی در

خراسان نت

مراقب کودک و سالمند

مرکز سروش

با مجوز وزارت بهداشت

استخدام خانم

جهت مراقبت از کودک و سالمند و بیمار در منزل درشفت روز

یا شب یا شبانه روزی

مدیرمسئول: دکتر ایرج عاقل

میدان احمدآباد- بلوار گناهدوز

نیش کاهدور ۱/ ۹- پلاک ۸۳ طبقه ۲

۰۹۱۵۵۱۶۳۲۹۹

۰۹۱۵۴۱۵۰۰۴

۳۸۴۴۳۰۰

به تعدادی همکار خانم

جهت کار در تولیدی نیازمندیم

۰۹۳۰۲۶۶۳۸۸۰

کارگر ماهر

به چند نیروی کار

کارواش ماهر

تمام وقت وثابت نیازمندیم

جای خواب و مزایا عالی

۰۹۱۵۳۰۸۶۰۴۸

نیش امام خمینی ۸۸

کارواش کلین

حسابدار

حسابدار و کمک حسابدار

جهت شرکتها و کار خاجات معتبر با

شرایط حقوق عالی سربها نیازمندیم.

۰۹۲۷۹۴۰۰۴۸-۳۸۴۴۳۲۷

بازارباب

استخدام بازارباب و

ویزیتور حضوری جهت

لوله و لوازم بهداشتی ساختمان

۳۷۲۹۷۱۲۸

استخدام

مجموعه رستوران های

بین المللی در جزیره کیش

استخدام می نماید:

تعدادی آشپز ایرانی با

حد اقل ۳ سال سابقه کار

و رزومه قابل استعلام.حد

اکثر سن ۳۰ سال

حقوق مکفی به همراه بیمه

+ محل اسکان

+ سه وعده غذا+ بلیط

هواپیماسات تماس

۱۲۲ شهر ۱۲ شب

۰۹۳۴۷۹۶۴۴۲

امور رستوران

مجموعه رستوران های

بین المللی در جزیره کیش

استخدام می نماید:

تعدادی آشپز ایرانی با

حد اقل ۳ سال سابقه کار

و رزومه قابل استعلام.حد

اکثر سن ۳۰ سال

حقوق مکفی به همراه بیمه

+ محل اسکان

+ سه وعده غذا+ بلیط

هواپیماسات تماس

۱۲۲ شهر ۱۲ شب

۰۹۳۴۷۹۶۴۴۲

کارگرساده

نیروی کار دائم برای کار

در لبنیات نوبت صبح

۰۹۳۸۳۱۳۵۱۶۱